

ملاقات خصوصی

نگاهی به فیلم «ملاقات خصوصی»؛
پرفروش‌ترین فیلم غیرکمدی سینمای ایران

عاشقانه‌ای جذاب از درون زندان

خلاقیت فیلمنامه‌نویسان

امید شمس با درکی درست از فیلمنامه و کارگردانی، فیلمی با سوژه‌ای حساس به نام «ملاقات خصوصی» ساخته است. آنچه بیش از هر چیز این فیلم را به اثری تماشایی تبدیل می‌کند، درام جذاب و هیجان‌انگیز فیلم است. شمس فیلمنامه «ملاقات خصوصی» را در همکاری با کارگردان جوان دیگری به نام بهمن ارک و علی سرآهنگ نوشته است و گروه نویسندگان نشان داده‌اند در کنار خلاقیت، هوش و ذکاوت‌شان، در طراحی و ترسیم موقعیت‌های مهیج و پرتعلیق نیز ستودنی هستند.

«ملاقات خصوصی» بر خلاف ضعف رایج بیشتر فیلم‌های ایرانی در فیلمنامه و سناریو، با تکیه بر فیلمنامه قوی و درستش، داستانش را پیش می‌برد. ایده، گره و نقطه‌عطف‌های فیلمنامه قابلیت درگیر کردن مخاطب را دارند و او را تا پایان فیلم با خود همراه می‌کنند. فیلمنامه‌نویسان «ملاقات خصوصی» به درستی فهمیده‌اند کجا گره‌افکنی و گره‌گشایی کنند تا درام فیلم پر قدرت شود و بیننده تا پایان، سرنوشت شخصیت‌های فیلم را دنبال کند. اگر پایان‌بندی لوس و سانتی‌مانتال فیلم را فاکتور بگیریم، فیلم در تمام مراحل بر مبنای درست پیش می‌رود و تا پایان، ریتم خوب خودش را حفظ می‌کند.

آشنایی اولیه با شخصیت‌ها

«ملاقات خصوصی» از همان شروع، ایده متفاوتی دارد. دختری به نام پروانه با بازی پریناز ایزدیار با مادرش زندگی می‌کند و به‌نوعی نان‌آور خانه به حساب می‌آید. پدرش به خاطر سرقت به زندان افتاده و برادرش فراری است.

در همان نیم ساعت ابتدایی فیلم متوجه وضعیت نامساعد پروانه می‌شویم و می‌فهمیم یکی از زندانی‌ها که پدرش با گوشی او به پروانه زنگ می‌زده است، از زندان و از طریق تلفن همراه به او ابراز علاقه می‌کند. اولین گره‌های فیلم ایجاد می‌شود و قلاب‌های فیلمساز خیلی زود بیننده را درگیر داستان می‌کند.

ابراز علاقه یک زندانی به دختر، اتفاق معمول و

یکی از دلایل
نفسگیر بودن
داستان به ریتم تند
اتفاقات برمی‌گردد.
کارگردان خیلی
روی یک موقعیت
معطل نمی‌کند و
پس از گره‌افکنی
اولیه و گره‌گشایی
خیلی سریع سراغ
گره‌های دیگر
می‌رود. فیلمنامه از
بابت حجم اتفاقات
پروپیمان است و
جایی برای سر خالی
بودن و آب بستن
نمی‌گذارد. اتفاقات
از موقعیت‌های
اولیه تا پایان قابل
پیش‌بینی نیستند
و تماماً به درستی
در کنار هم چفت
و بست شده‌اند
و اجازه نمی‌دهند
دست فیلمساز برای
تماشاگرش رو شود

احمد محمدتبریزی
روزنامه‌نگار

سینمای ایران به فیلمسازان جوان مستعد و بانگیزه نیاز دارد تا بتواند با اتکا به خلاقیت‌شان حرکتی رو به جلو داشته باشد. فیلم «ملاقات خصوصی» نمونه‌ای موفق از حضور کارگردانی فیلم‌اولی در سینماست که فیلمی جذاب و قابل قبول ساخته است. امید شمس توانست به‌عنوان نخستین اثر سینمایی‌اش رکورد پرفروش‌ترین فیلم غیرکمدی سینمای ایران را بشکند و امیدهای زیادی را برای درخشش در آینده روشن کند.

داستان اصلی آشنایی پروانه و فرهاد به اندازه خود جذابیت برای دیده شدن دارد ولی فیلمنامه‌نویسان به این اکتفا نکرده‌اند و با اضافه کردن خرده پیرنگ‌های دیگری مثل ماجرای برادر پروانه یا فیروزه و همچنین چرخش‌ها و اتفاقات قابل توجهی که سرانجام هیچ‌کدام برای بیننده قابل حدس نیست، جان داستان را بیشتر می‌کنند. فیلمنامه در نیمه ابتدایی به درستی کارش را انجام

مرسوم نیست. فرهاد با بازی هوتن شکیبا، در نهایت پروانه را راضی به یک ملاقات خصوصی می‌کند. عقیه فرهاد و خلافتکار نبودن او، عامل مهمی در راضی شدن پروانه به ملاقات خصوصی می‌شود. ایجاد علاقه و شکل‌گیری ارتباط بین مرد زندانی و دختر، درون خود جذابیت‌های لازم را برای پیگیری دارد. این یک آشنایی معمولی نیست و مشخص نمی‌کند فرجامش چه خواهد شد.



می‌دهد؛ شناختی نسبی از شخصیت‌ها می‌دهد و گره‌افکنی می‌کند. اینجا کارگردان با ایده‌ای بجا و درست، فضای فیلم را از بیرون و محیط شهری به درون زندان می‌برد. در ابتدای فیلم، ما با پروانه و زندگی او طرف هستیم ولی پس از ملاقات پروانه و فرهاد، دوربین همراه فرهاد داخل سلول‌های زندان می‌شود تا از شخصیت فرهاد و روابطش در زندان اطلاعات بدهد. زندگی در زندان هم مناسبات خودش را دارد و رفت و برگشت میان فضای بیرون و زندان، اجازه نمی‌دهد داستان از رمق بیفتد. تعلیق نهایی فیلم به آزادی فرهاد و دستگیری پروانه برمی‌گردد. اوج بی‌اعتمادی و کشمکش میان شخصیت‌ها را اینجا می‌بینیم. همه علیه همدیگر می‌شوند و به دنبال گناهکار کردن دیگری هستند تا جرم از سر خودشان باز شود.

یکی از دلایل نفسگیر بودن داستان به ریتم تند اتفاقات برمی‌گردد. کارگردان خیلی روی یک موقعیت معطل نمی‌کند و پس از گره‌افکنی اولیه و گره‌گشایی خیلی سریع سراغ گره‌های دیگر می‌رود. فیلمنامه از بابت حجم اتفاقات پروپیمان است و جایی برای سر خالی بودن و آب بستن نمی‌گذارد. اتفاقات از موقعیت‌های اولیه تا پایان قابل پیش‌بینی نیستند و تماماً به درستی در کنار هم چفت و بست شده‌اند و اجازه نمی‌دهند دست فیلمساز برای تماشاگرش رو شود. قطعاً «ملاقات خصوصی» فیلم بی‌ایرادی نیست ولی باید به چنین فیلم‌هایی در سینمای ایران ارج نهاد. این فیلم بدون صحنه یا شخصیت اضافه و زائدی، داستانش را شسته و رفته تعریف می‌کند و حرفش را بدون لکنت می‌زند. کلیت جذاب فیلم به ایرادهای جزئی‌اش می‌چربد، ضمن اینکه «ملاقات خصوصی» در کنار فیلمنامه خوب و درستش، از کارگردانی تروتیمیزی هم برخوردار است. قاب‌بندی‌ها و حرکت دوربین در تمام صحنه‌ها شکلی آزردهنده ندارد و کاملاً در خدمت فیلم است. امید شمس از ساخت فیلم کوتاه به فیلم بلند داستانی رسیده و به درستی قواعد و اصول فیلمسازی را آموخته است. شمس توانسته ایست از دل حوادث حقیقی و یک پرونده قضایی فیلمی خلق کند تا یکی از آثار خوب چند سال اخیر سینمای ایران شود.

